



## تهدیدها و فرصت‌ها کتاب پایه سوم دینی و قرآن، زیر ذره بین

پای صحبت زهرا اسلامی نیا و رحیم اولیانسب، دبیران دینی و قرآن کرج

رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی

مهدی مروّجی

### اشاره

گفت‌وگویی که تقدیم می‌شود، در کرج با دبیران دین و قرآن استان البرز، خانم زهرا اسلامی نیا و آقای رحیم اولیانسب شریانی انجام شده است.

خانم اسلامی نیا، مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی دارد و بیش از ۲۶ سال سابقه تدریس در کارنامه او ثبت شده است. وی علاوه بر تدریس در دبیرستان‌ها، سال‌ها سرگروه این درس در استان البرز می‌باشد. زهرا اسلامی نیا، در کار پژوهشی نیز دستی دارد که با نمونه‌هایی در این گفت‌وگو آشنا می‌شوید.

آقای رحیم اولیانسب شریانی، با ۲۴ سال سابقه آموزشی، اکنون علاوه بر تدریس در دبیرستان‌های استان و دانشگاه آزاد اسلامی، سرگروهی درس دینی و قرآن را برعهده دارد.

در کرج فقط درباره کتاب پایه سوم صحبت شد تا بدین ترتیب آرا و نقدها مشخص‌تر بیان شوند و مؤلفان محترم نیز به صورت دقیق‌تر با نقدها و پیشنهادهای همکاران آشنایی پیدا کنند.

### ● از نظر شما کدام درس‌های کتاب پایه سوم

از جذابیت بیشتری برخوردارند؟

اسلامی نیا: درس‌های اول (بیداری)، دوم الطاف الهی، سوم (هدایت مستمر)، چهارم (معجزه‌های از نوع کتاب)، پنجم (گستره رسالت پیامبر (ص)) و ششم (تداوم رسالت) به دلیل فهم آسان‌تر آن‌ها از سوی دانش آموز، جذاب‌ترند؛ گرچه نکته‌های قوی‌تری هم می‌شود در آن‌ها گنجاند.

در درس سوم، دو سه نکته که درباره نیازهای بنیادین در کتاب قبلی بود، در این کتاب حذف شده‌اند که در صحبت‌هایی که با همکاران داشتیم، همه می‌گفتند چرا آن موارد را حذف کرده‌اند. موارد حذف شده هم از نیازهای بنیادین به حساب می‌آیند.

### ● چه مقدار توانسته‌اند نظر دانش آموزان را

جلب کنند؟

اسلامی نیا: این درس‌ها نمی‌توانند به حد کفایت

نظر دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان را جلب کنند. متأسفانه در کتاب از جمله به مفاهیم و مصادیق اخلاقی توجه نشده است و این خلأ را تمام دانش‌آموزان احساس می‌کنند. ما پیامبران بزرگ و پیامبر گرامی اسلام (ص) را داریم که «خلق عظیم» دارد. امامان معصوم (ع) و اولیا و عارفان بزرگی داریم که می‌توانستیم از این نظر از آن‌ها در کتاب استفاده کنیم، اما این کار نشد.

از طرف دیگر، متن درس‌های کتاب پایه سوم دبیرستان از درس هفتم به بعد، خیلی سنگین می‌شود. تکرار مطالب زیاد است و در کتاب مطالب شبیه به هم کم نیستند. در درس‌ها تقسیم‌بندی‌ها را چهارتایی کرده‌اند و حداقل پنج مورد تقسیم چهارتایی را پشت سر هم قرار داده‌اند. یادگیری این نوع تدوین مطالب، برای دانش‌آموزان معمولی دشوار است. البته دانش‌آموزان باهوش به هر صورت یاد می‌گیرند.

در جاهایی باید عنوان‌ها کوتاه‌تر شوند. در مواردی باید توضیح بیشتری بیاید و در مواردی لازم است شکل توضیح تغییر کند. نباید از یاد برد که معلم در درس «ولایت فقیه و حکومت اسلامی» به شدت دچار چالش می‌شود. بنده که مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دارم، می‌توانم به پرسش‌های بچه‌ها پاسخ بگویم و شبهه‌های آنان را رفع کنم و بحث‌های زیادی با بچه‌ها دارم ولی همه همکاران درس علوم سیاسی نخوانده‌اند و به این علت شاید نتوانند ولایت فقیه را با حکومتی از نوع دیگر مقایسه کنند. دانش‌آموز می‌پرسد: «حکومت ولایت فقیه با سایر اشکال حکومت‌ها چه تفاوتی دارد؟»

● به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که متن درس، خوب تدوین نشده است یا بحث‌هایی را باید در کتاب آورد که اکنون نیست.

**اسلامی‌نیا:** بله، به‌ویژه که این درس با بحث‌های چالشی سیاسی تلاقی دارد. بچه‌ها می‌پرسند: «رهبر چه وظایفی دارد؟ بنده به این پرسش‌ها جواب می‌دهم. مثلاً برای تبیین جایگاه رهبری، از تاریخ زندگی حضرت رسول (ص) استفاده می‌کنم. ابوسفیان، فردی را برای خبرگیری میان مسلمانان فرستاد تا از وضع ارتباط مسلمانان با پیامبر خدا (ص) اطلاعاتی جمع کند. وقتی برگشت به ابوسفیان گفت: هرگز در فکر حمله به مسلمانان نباش؛ زیرا پیوندشان با رهبرشان چنان محکم است که نمی‌گذاشتند قطرات آب وضویی

که از دست‌و‌صورت پیامبر (ص) می‌ریخت، به زمین بریزد. با اشتیاق تمام آن‌ها را می‌گرفتند و به سروصورت خود می‌مالیدند. اینان مردمی هستند که هرگز ممکن نیست دست از رهبرشان بردارند. درباره علت دست‌بوسی که می‌پرسند، می‌گویم نشانه عمق پیوند قلبی بین مردم و رهبری است. از همین رابطه، دشمن درمی‌یابد که ارتباط چقدر نزدیک و قلبی است و سبب می‌شود در طرح‌ها و توطئه‌های خود ملاحظات را نظر بگیرد.

به هر حال، این مسائل ما را بر آن می‌دارد که از دفتر تألیف کتاب‌های درسی بخواهیم در کتاب دینی و قرآن، درباره جایگاه رهبری در ترسیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» تجدیدنظر کند. برای نمونه، از نقش رهبری در دستیابی به دانش انرژی هسته‌ای، در پیشرفت‌های دانش بنیادی و فناوری‌های نوین، شواهدی بیاورد.

دکتر آقامیری که جانشین شهید شهرباری در بخش انرژی هسته‌ای هستند در دوره آموزشی ما در مشهد قسم می‌خورد و می‌گفت: «اطلاعات مقام معظم رهبری در حوزه انرژی هسته‌ای از من بیشتر است. در حالی که دکتر آقامیری مدرک دکترای فیزیک دارند. متأسفانه اطلاعات جامعه از جمله دانش‌آموزان در مورد نقش رهبری در پیشرفت‌های علمی و اجتماعی کم است. این کاستی‌ها را می‌توان در کتاب جبران کرد.

**اولیاء نسب:** به نظر من درس‌های دوم (هدایت الهی) و سوم (هدایت مستمر) کتاب پایه سوم را خیلی خوب نوشته‌اند. این دو درس دانش‌آموز را با ابعاد غیبی و ملکوتی آشنا می‌کنند و بر اساس مطالب آن‌ها می‌توانیم بگوییم که انسان همین تن خاکی و فقط جسم و ماده نیست و فرصتی در کلاس فراهم می‌شود تا معلم به عوالم دیگر گریز بزند.

همان‌طور که خواهرمان خانم اسلامی‌نیا فرمودند، درس‌های ۵ تا ۱۲ با توجه به نوع طراحی و تدوین و تألیف، مثل نگارش جمله‌ها، سنگین‌اند و مخاطب قادر نیست ارتباط لازم را با این درس‌ها برقرار سازد، لذا نمی‌تواند متن را خوب درک کند. اما درس ۱۳ (کرامت نفس) به این دلیل که به دوره نوجوانی و جوانی می‌پردازد و مخاطبان نیز در همین گروه سنی قرار می‌گیرند، جالب است و می‌توان بحث‌های جذاب‌تر و زیباتر هم در جهت خودشناسی مطرح کرد و فضای مباحث مفیدی را در کلاس به‌وجود آورد. متأسفانه این درس و درس ۱۴ در انتهای کتاب قرار گرفته‌اند و گاهی دبیران یا به این درس‌ها

**متن درس‌های کتاب پایه سوم دبیرستان از درس هفتم به بعد، خیلی سنگین می‌شود. تکرار مطالب زیاد است و در کتاب مطالب شبیه به هم کم نیستند**



**کتاب باید به پرسش‌ها، ابهام‌ها و شبهه‌ها پاسخ قانع‌کننده بدهد. اگر جوان ما در مدرسه نتواند درباره این موضوع به نتیجه برسد، کجا می‌تواند خود را راضی کند؟**

نمی‌رسند یا با عجله مطالب آن‌ها را مطرح می‌کنند. همین‌طور درس ۱۵ (پیوند مقدس) و درس ۱۶ (کانون مهر) مورد علاقه دانش‌آموزان هستند، ولی نمی‌شود به قدر کفایت به آن‌ها پرداخت.

**● می‌شود از نظر تقدم و تأخر، جای این درس‌ها را عوض کرد و جلوتر آورد؟**

اولیاءنسب: می‌توانند این کار را بکنند و کار خیلی خوبی است. پیشنهاد بنده این است که درس‌های کاربردی‌تر و درس‌هایی که جاذبه بیشتری برای مخاطبان دارند، بدون به هم خوردن شاکله مطالب جابه‌جا شوند.

**اسلامی‌نیا:** می‌شود این درس‌ها را بین درس‌های نبوت و امامت قرار داد.

**● کدام‌یک از درس‌های این کتاب، برای یادگیری دشوارترند؟**

**اسلامی‌نیا:** درس هفتم (وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه (ع)) و درس هشتم (احیای ارزش‌های راستین). یادگیری این دو درس، بیش از درس‌های دیگر برای بچه‌ها زحمت‌آفرین است.

**● با این حال، وجود این نوع درس‌ها را لازم می‌دانید و توصیه می‌کنید به زبان قابل فهم‌تر نوشته شوند؟**

**اسلامی‌نیا:** اصل درس‌ها لازم است؛ زیرا دانش‌آموزان باید درباره امام (ع) مطالب موردنیاز را بدانند. رشته‌هایی هستند که درس تاریخ ندارند. اگر آنان همین مطالب را هم نخوانند، هیچ اطلاعی درباره امامان نخواهند داشت. ولی دانش‌آموزان می‌گویند آنچه در این درس‌ها آمده، تاریخ است و نه مطالبی درباره زندگی امامان (ع)، دانش‌آموزان باید نقش امامان (ع) را در زندگی حس کنند. (همان‌طور که درباره ولایت فقیه گفتیم) و بدانند که آنان چه کرده‌اند. دانش‌آموزان درباره تعدد ازدواج پیامبر (ص) و امامان (ع) می‌پرسند. کتاب باید به پرسش‌ها، ابهام‌ها و شبهه‌ها پاسخ قانع‌کننده بدهد. اگر جوان ما در مدرسه نتواند درباره این موضوع به نتیجه برسد، کجا می‌تواند خود را راضی کند؟ شاید لازم باشد بخشی از کتاب به پرسش‌ها و شبهه‌ها اختصاص یابد. همچنین لازم است سایت‌های اینترنتی که به چنین موضوع‌هایی می‌پردازند، در کتاب معرفی شوند تا معلم و دانش‌آموز در صورت نیاز بدان‌ها رجوع کنند. بنده سخنان همکاران، آقای اولیاءنسب را درباره درس «عزت‌نفس» تأیید می‌کنم.

**اولیاءنسب:** قبل از پاسخ به سؤال، به این نکته اشاره می‌کنم که روش کتاب بیشتر نقلی و اخباری

است؛ در حالی که مخاطبان کتاب به روش فلسفی نیاز دارند. به همین دلیل، دانش‌آموزان نمی‌توانند زیاد مطالب نقلی را بپذیرند. نمی‌خواهم این روش را به‌صورت کامل رد کنم. ما به روش نقلی نیاز داریم، ولی بیان مطالب به روش سنتی، در زمان ما جواب می‌داد و در این دوره رافع نیازها نیست و مخاطب جوان این زمانه را جذب نمی‌کند.

**● یادگیری کدام درس‌ها برای دانش‌آموز سخت است؟**

درس هفتم (وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه (ع)) دشوار است؛ زیرا مباحث آن خیلی فشرده و خیلی تاریخی است. به‌ویژه درس هشتم (احیای ارزش‌های راستین) که در آن «تقیه» مطرح و شیوه‌های مبارزه تشریح می‌شود، ۸ تا ۹ بند دارد و باید به یاد بیاوریم که ذهن دانش‌آموز امروز گنجایش و قابلیت هضم این همه مطلب را آن هم در دو صفحه ندارد.

این شیوه بیان درس شاید زمینه گریز از باور به امامان (ع) را به‌وجود آورد. باید بیشتر دقت کرد و به بررسی عینی پرداخت.

در درس یازدهم (تداوم امامت در عصر غیبت) که به مرجعیت و ولایت فقیه می‌پردازد، این مورد که چرا جامعه ما به نظام اسلامی و ولایت فقیه نیاز دارد، توضیحی نیامده است. باید در این مورد بحث استدلالی داشته باشد.

**● از نظر شما محتوای کدام درس‌های کتاب پایه سوم با عنوانش همخوانی دارد یا بین محتوا و عنوان هماهنگی نیست؟ لطفاً با مصادیق ذکر بفرمایید.**

**اسلامی‌نیا:** خوشبختانه محتوای تمام درس‌ها با عنوان‌هایشان هماهنگ است.

اولیاءنسب: بنده هم همین نظر را دارم.

**● مؤلفان برای مجموعه کتاب هدف‌هایی را تعیین کرده‌اند که ذیل عنوان «دانش‌آموز هدف‌ها با محتوای تدوین‌شده همخوانی دارند؟ اولیاءنسب:** می‌دانیم که درس‌ها در سه مرحله تدوین شده‌اند و می‌توان گفت «مرحله اول» کم تحقق یافته و مرحله‌های دوم و سوم تا حدودی محقق شده‌اند.

اما چرا تحقق اهداف مؤلفان در مرحله اول «درس اول تا درس دوازده» ضعیف است؟ زیرا ۶۰ درصد قرآن شامل معارف و اعتقادات است؛ مثل ایمان به غیب. در اول سوره بقره برای مؤمنان پنج ویژگی شمارش شده که اولین ویژگی ایمان به غیب است.

با توجه به اینکه مؤلفان محترم خواسته‌اند در مرحله اول اصول مذهب شیعه را به مخاطبان تفهیم کنند تا در ذهن آنان جاگیر شود، در این امر موفق نیستند؛ زیرا درباره «ایمان به غیب» چیزی نگفته‌اند.

### ● درباره موضوع ایمان به غیب در کتاب‌های پایه اول و پایه دوم هم مطلبی نیست؟

اولیاء‌نسب: خیر نیست. خانم اسلامی‌نیا، در حال پژوهش درباره «ایمان به غیب» هستند که کار بسیار پسندیده و زیبایی است. ما از نظر اعتقادی به «غیب» ایمان داریم، مثل «و بالآخره هم یوقنون» که در قرآن کریم آمده است.

فرق مؤمن و کافر نیز در اعتقاد مؤمن و عدم باور کافر به غیب است. در سوره بقره آیه دوم آمده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». و در آیه سوم می‌خوانیم: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا نَزَّلَ الْيَكُوبُ وَمَا نَزَّلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ». ملاحظه می‌شود که ابتدا «ایمان به غیب» آمده و در پایان آیه سوم مصداق مهم غیب ذکر شده است: «و بالآخره هم یوقنون» ولی در کتاب خبری از این نشانه ایمان مؤمن نیست و مصادیق دیگر مثل خداوند و ملائکه، و سنت‌های غیبی مثل اعتقاد به خیر و برکت و اعتقاد به توسل و توکل مطرح نشده‌اند. از نیازهای اساسی جامعه ما، از جمله نسل جوان، نیاز به همین سنت‌هاست که متأسفانه خیلی کم‌رنگ است.

### ● در کتاب بر تفکر از طرف دانش‌آموزان تأکید شده است. آیا زمینه ایجاد تفکر در کتاب وجود دارد؟ آیا «اندیشه و تحقیق» می‌تواند تفکر برانگیز باشد و به آموزش و یادگیری عمیق کمک کند؟ آیا پیشنهادی در این باره دارید؟

اسلامی‌نیا: قبلاً نیز عرض کرده‌ام که هم تعداد سؤال‌های کتاب و تکرار آن‌ها در کتاب زیاد است و در تمام این سؤال‌های تکراری، هدف یک چیز است. قبل از گفت‌وگوی ما، شما با تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستان‌های کرج گفت‌وگو کردید. شاهد بودید که آنان اعلام کردند که کتاب پایه سوم دبیرستان برای امتحان نهایی و کنکور مورد انتقاد قرار می‌گیرد. در هردو این امتحان‌ها، به ریزریز نکات توجه می‌شود ولی دانش‌آموز از تعداد و تکرار زیاد سؤال‌های کتاب خسته می‌شود. لذا گاهی می‌گوید اصلاً نمی‌خواهد کتاب پایه سوم را بخواند. نکته دیگر این است که دانش‌آموزان به اکثر سؤال‌های کتاب جواب نمی‌دهند. اگر هم جواب بدهند، جواب‌ها از خودشان نیست؛ یا از روی کتاب‌های کمک‌آموزشی می‌نویسند یا در نهایت

معلم سر کلاس پاسخ می‌دهد. به این ترتیب، مشخص است که چنین وضعیتی هیچ کمکی به تفکر دانش‌آموز نمی‌کند و این کتاب نمی‌تواند در رشد فکری دانش‌آموز، نقشی داشته باشد.

من سخن یکی از دانش‌آموزان را مطرح می‌کنم که پیشنهاد کرد «مباحثه» باشد. بنده «مباحثه» را به‌دقت در کلاس درس اجرا می‌کنم و در مباحثه نظر همه دانش‌آموزان را می‌خواهم. به این ترتیب، آنان مجبورند بروند دنبال پاسخ سؤال‌ها تا بتوانند در کلاس و در جمع هم کلاسی‌ها اظهار نظر کنند و خود را نشان بدهند. نتیجه‌گیری حاصل از مباحثه، بسیار کارآمدتر و بهتر است.

### ● می‌دانیم که در جریان یادگیری، ارزشیابی خیلی مفید و مؤثر است. به همین دلیل هم در مقدمه کتاب بر انواع ارزشیابی تأکید شده است؛ مثل ارزشیابی مستمر که در یاددهی و ارزیابی کار دبیر اهمیت دارد. آیا ارزشیابی از درس‌های کتاب با توجه به اصول ارزشیابی انجام می‌گیرد؟ آیا خودتان و همکارانتان می‌توانید ارزشیابی کنید؟ درباره نحوه کار ارزشیابی چه نظری دارید؟

اولیاء‌نسب: به نظرم ارزشیابی مستمر فرصت ارزشمندی است که در اختیار دبیر قرار گرفته است. این ارزشیابی، به دبیر قدرت مانور می‌دهد اما مدرسه به مدرسه و دبیر به دبیر تفاوت دارد، لذا نمی‌توان درباره آن نظر کلی و عمومی داد. ارزشیابی پایانی بسته و مشخص است و دبیر در آن اختیاری ندارد. در مجموع، داوری درباره کیفیت کار در مدارس سخت است؛ نه می‌توان گفت عالی است و نه آنکه بتوان آن را ضعیف برآورد کرد، بلکه نسبی است. شاید با پژوهش میدانی بتوان وضعیت آن را مشخص کرد. من خیلی کلی می‌توانم بگویم: «ارزشیابی مستمر خوب صورت نمی‌گیرد.» به‌ویژه که هیچ‌گاه دبیران در جلسات توجیهی شرکت نمی‌کنند.

اسلامی‌نیا: همکارانی در این زمینه می‌گفتند، به دلیل تقسیم‌بندی نمره برای کارهای متفاوت در ارزشیابی مستمر، نمی‌توان آن را به‌صورت کامل و دقیق اجرا کرد. معلم سؤالی می‌کند و به آن نمره می‌دهد. برای روخوانی نمره می‌گذارند یا به کار انجام شده پچه‌های کلاس نمره می‌دهند، ولی طبق توصیه‌های کتاب انجام نمی‌شود. برخی از معلمان که در مدارس با امکانات کمتر و دانش‌آموزان ضعیف‌تر از نظر علمی کار می‌کنند، ارزشیابی مستمر را ناممکن می‌دانند. می‌گویند مجبورند امتحان را کتبی برگزار کنند، زیرا با پرسش شفاهی

تعداد سؤال‌های کتاب و تکرار آن‌ها در کتاب زیاد است و در تمام این سؤال‌های تکراری، هدف یک چیز است





**شهید باهنر،  
جمله زیبایی را  
به صورت سفارش  
بیان می کرد: با  
دانش آموزان  
طوری وارد  
گفت و گو شوید که  
آنان می خواهند  
و گفت و گو را  
طوری خاتمه  
دهید که خودتان  
می خواهید**



نمی توان به دانش آموز نمره داد. نارسایی های موجود در ارزشیابی مستمر، بخشی به کمبود وقت باز می گردد. در کلاس، دبیر نماینده و وکیل نظام جمهوری اسلامی است. کلاس محل محاکمه های می شود برای معلم که باید به جای مقامات مختلف کشور، به همه سؤال ها و ایرادها جواب بدهد. معلم با شبهه هایی که طرح می شوند نیز درگیر است. شبهه ها، غیر از بحث های سیاسی هستند که در کلاس مطرح می شوند.

معلم کار سومی هم دارد؛ او باید به پرسش های مربوط به احکام جواب دهد. در مرحله چهارم، وی باید به آنچه در کتاب درسی آمده است، بپردازد و به پرسش ها جواب بدهد. سرانجام و در مرحله پنجم باید به سؤال های تستی و کنکوری دانش آموز پاسخ بگوید. پرداختن به این همه کار، فرصتی باقی نمی گذارد تا ارزشیابی را طبق اصول مربوط به سرانجام برساند.

● آیا دبیر با مدیریت زمان نمی تواند این کارها را هر چه بهتر به انجام برساند؟

اسلامی نیا: آقای اولیاءنسب فرمودند ۲۴ سال سابقه معلمی دارند. بنده هم ۲۶ سال کارم معلمی بوده است. حداقل ۱۸ سال معلم درس دینی و قرآن بوده ام. با مدیریت زمان هم نتوانستم ارزشیابی مستمر را به دقت اعمال کنم. با آنکه در کلاس ها پرسش شفاهی و نظرخواهی می کنم و تکالیف را می بینم ولی این کارها، طبق دستورالعمل اداری نیست و نمی شود مطابق آن انجام گیرد.

پیشنهاد می کنم از کتاب دینی و قرآن و برخی از کتاب های دیگر که انتظار ایجاد رفتار سالم از آن ها داریم، بخشی از درس ها به موضوع هایی اختصاص یابد که دانش آموز برود به آن ها عمل کند. بنده در تبدیل آموزش ایمانی به عمل ایمانی تجربه دارم و این کار را کرده ام. چطور؟ به بچه ها برگه هایی با سرفصل های مشخص مثل «دروغ نگوئیم»، «رفتار ما مؤدبانه باشد»، «به والدین احترام بگذاریم»، «به دوستان کمک کنیم»، «نماز را اول وقت بخوانیم» یا «غیبت نکنیم» را داده ام

بعد نحوه کار را این طور شرح می دهم که چند برگ را در جایی از خانه که فقط خودتان می دانید و دیگران به آن دسترسی ندارند، نصب کنید و هر روز زیر هر سرفصل علامت مثبت (+) یا منفی (-) بگذارید تا بدانید که کدام کار را انجام داده اید و کدام را انجام ندادید. بچه ها در مدت یک هفته این کار را می کنند و هفته بعد برگه ها را می آورند. توصیه

مهم من است که می گویم: بچه ها دین دستور داده است کارهایتان را به دیگران نگوئید یا به کسی نشان ندهید. بنده هم فقط به عنوان معلم و مشاور از آن ها مطلع می شوم.

در پایان سال می پرسم: انجام این کار و تمرین خودسازی، تا چه حد در تغییر رفتار شما مؤثر بود؟ غالباً می گویند خیلی تأثیر داشت. این تمرین را در سال دوم، با دانش آموزان انجام دادم که الآن در سال سوم درس می خوانند. از آن کار رضایت دارند و آن را خوب ارزیابی می کنند.

بخشی از درس دینی و قرآن باید عملیاتی باشد. البته دانش آموز نباید برای گرفتن نمره این کار را بکند. صرف گزارش کار عملی کفایت می کند؛ زیرا ارزش خودسازی را نباید با نمره کاهش داد. این کار حتی در پیشبرد اهداف ارزشیابی نیز مؤثر است.

● اگر به شما بگویند، کتاب دینی و قرآن را تألیف کنید، کدام بحث ها را حذف می کنید و به چه حلقه های مفقوده ای می پردازید؟

اسلامی نیا: آنچه عرض می کنم، حاصل مشورت هایی است که با دانش آموزان کرده ام. آنان جواب های خیلی خوبی به من دادند که شامل کتاب های هر چهار سال می شود. نخست اینکه باید دین را با تمام ابعادش به دانش آموز ارائه دهیم تا او بداند دین شامل چه چیزهایی است. دانش آموز وقتی کتاب های کنونی را می خواند، نوعی انقطاع بین مطالب حس می کند.

● چه نوع انقطاعی؟

اسلامی نیا: کلیت کتاب آموزشی باید حاوی مفاهیمی باشد که دانش آموز از آن به چارچوب کامل دین دست یابد و این مفاهیم را باید در هر چهار کتاب تکرار کنیم. آنچه هم در کتاب می آید، باید مقتضای فهم این سن و سال باشد. باید او را متوجه کرد که فرزندم، شما به عنوان فردی مسلمان و شیعه، نیازمندی درباره پیغمبر اکرم (ص)، امامان (ع)، اخلاق، احکام، غیب، ازدواج و ... آگاهی لازم را داشته باشی. این موضوع ها باید به صورت یک زنجیره به هم پیوسته و مکمل یکدیگر تدوین شوند تا مخاطب را به اقتضای سن و سال و نیازش در یک دوره چهارساله از صفر به ۱۰۰ برسانند.

خوب است سیر این کار آموزشی، در مقدمه کتاب پایه اول تشریح شود تا وی بتواند چشم اندازی از چهار سال تحصیل خود در زمینه دینی و قرآن بسازد و بداند در هر سال چه چیزهایی را می خواند. کتاب باید به طور عینی نشان دهد کسانی که به

احکام دین عمل می‌کنند، چه سرانجامی دارند. نماز گزاران واقعی، چه مزیت‌هایی بر کسانی دارند که نماز نمی‌خوانند. به راحتی می‌توان سرگذشت نماز گزاران واقعی و چگونگی اقامه نمازشان را در کتاب بیان کرد. بسیاری از همکاران و دانش آموزان، هنگام اجرای طرح پژوهشی به ما گفتند: چرا کتاب از دریافت‌های عملی خالی است؟ همان‌طور که از کمبود طرح موضوع‌های اخلاقی نیز شکوه داشتند. **اولیاءنسب:** اگر جای مؤلف کتاب بودم چنین عمل می‌کردم:

۱. در ابتدای هر چهار کتاب، در چهار سطح و با بحث‌های متفاوت و به هم پیوسته، نیاز بشر به دین و ایمان را تشریح می‌کردم.

۲. آنچه نیاز جامعه کنونی ماست و خلأ آن در کتاب‌های موجود احساس می‌شود، بحث‌های اخلاقی و تربیتی است؛ موضوع‌هایی مانند احترام به بزرگ‌ترها و والدین، قرآن کریم حاوی حدود ۳۰ درصد اخلاقیات، ۶۰ درصد عقاید و معارف (مثل غیب‌شناسی) و ۱۰ درصد احکام است.

قرآن راه را خیلی روشن نشان داده است عقاید و از جمله ایمان به غیب را مطرح کرده و به اخلاقیات پرداخته است؛ از جمله در سوره حجرات و لقمان. پس من هم در کتاب دین و زندگی به این روش قرآن عمل می‌کردم.

۳. به مباحث اجتماعی بیشتر می‌پرداختم، به‌ویژه که اسلام دین اجتماعی است. برای مثال، می‌توان درباره آسیب‌های فضاهای مجازی و اینترنتی نوشت که جامعه جوان ما به شدت بدان نیاز دارد. غیر از جوانان و دانش آموزان، خانواده‌ها هم نمی‌دانند که فرزندان‌شان چند ساعت باید از این فضا استفاده کنند. همچنین می‌توان آخرین یافته‌های علم پزشکی را درباره موسیقی و شرب‌خمر در کتاب آورد و در کنار آن بحث‌های دینی را تشریح کرد. شهید باهنر، جمله زیبایی را به صورت سفارش بیان می‌کرد: با دانش آموزان طوری وارد گفت‌وگو شوید که آنان می‌خواهند و گفت‌وگو را طوری خاتمه دهید که خودتان می‌خواهید.»

● **درباره وضعیت احکام در کتاب‌های دینی و قرآن، چه نظری دارید؟**

**اسلامی‌نیا:** درس‌های عملیه، احکام را خشک مطرح می‌کنند و در کتاب درسی، زبانی که برای بیان احکام انتخاب می‌کنیم، باید متفاوت باشد. برخی از علما در بازنویسی احکام، آن‌ها را به زبان روان‌تر، شیرین‌تر و ملموس‌تر می‌نویسند. آقای

فلاح‌زاده در کتابش، از کلمات و اصطلاحات غامض که در رساله‌های عملیه وجود دارد، بهره نمی‌گیرد بلکه با هدف فهم همگان، روان می‌نویسد؛ زیرا هدف اصلی نیز فهمیدن همگان و عمل به آن‌هاست. عنوان «رساله عملیه» نیز مؤید همین موضوع است.

از تألیف کتاب دینی و قرآن نیز دو هدف دنبال می‌شود: یکی دادن مبنای نظری به مخاطب و دیگری نشان دادن زمینه عمل به او. ولی در حال حاضر در این کتاب غلبه با مبنای نظری است. به قول آقای اولیاءنسب، احکام در زمره میوه درخت (دین) است که بسیار اهمیت دارد. پس لازم است احکام را جدی بگیریم و آن را شیرین و همه‌فهم بیان کنیم.

● **احکام بخش‌های متفاوتی دارد. غیر از احکام فردی، احکام اجتماعی و اقتصادی مثل احکام معاملات نیز داریم. فکر می‌کنید برای دانش آموزان دبیرستان که آماده ورود به جامعه و زندگی اجتماعی می‌شوند و به یقین هریک به نوعی کار اقتصادی هم می‌کنند، چه باید کرد؟**

**اسلامی‌نیا:** کتاب باید در برگیرنده احکام فردی و احکام اجتماعی باشد. اکنون باید به احکام اجتماعی مثل امر به معروف و نهی از منکر عنایت خاص داشت. دانش آموز می‌گوید، می‌خواهم به این حکم عمل کنم، باید چگونه عمل کنم؟ به چه کسی و با چه زبانی امر و نهی کنم؟ باید در کتاب شرایط امر به معروف و نهی از منکر تبیین شود. باید زمینه‌های اجرای آن در جامعه فراهم آید.

شاید ما بتوانیم طرحی پژوهشی آماده و اجرا کنیم تا دریابیم چه بخش‌هایی از احکام ضرورت دارند، در کتاب‌ها بیابند.

**اولیاءنسب:** تشکر می‌کنم که این پرسش را با ما در میان گذاشته‌اید. باید ابتدا نیازسنجی کرد. خداوند و شارع مقدس نیازهای فطری بشر را دقیقاً می‌داند و آن‌ها را در قالب واجبات و محرمات قرار داده است. بدیهی است که نماز و روزه واجب است اما باید به شرایط معاملات هم توجه داشت. کسی که می‌خواهد معامله‌ای انجام دهد، باید احکام آن را بداند. ندانستن احکام یک معامله، زمینه پیدا شدن لقمه حرام را فراهم می‌آورد. در کتاب‌های درسی ما این خلأ وجود دارد. آوردن این نوع احکام بر جاذبه آموزش نیز می‌افزاید.

● **سرکار خانم اسلامی‌نیا، شما سرگروه این درس در استان البرز هستید. آنچه فرمودید نظر شخصی و حاصل تجربه‌های شماست یا**

**کتاب باید در برگیرنده احکام فردی و احکام اجتماعی باشد. اکنون باید به احکام اجتماعی مثل امر به معروف و نهی از منکر عنایت خاص داشت**

**سال گذشته  
برای سرگروه  
درس، از طرف  
دبیرخانه فقط  
شش ساعت کار  
در هفته مقرر  
کردند و من  
نپذیرفتم؛ زیرا  
در این مدت  
نمی‌شود کاری  
کرد**

## بازتاب آرای همکاران‌تان در مدارس سطح استان هم هست؟

**اسلامی‌نیا:** یک نمونه از اوراق اکنون جلوی روی ماست قرار دارد که در آن ۱۰۳ تن از همکاران ما در ناحیه ۳ به ۴۰ پرسش پاسخ گفته‌اند. این عده روز ۳۰ دی ماه در نشست حضور داشتند. بنده این برگه‌ها را در منزل مطالعه و تمام نکته‌ها و آرای آنان را استخراج و دسته‌بندی کرده‌ام. این یک نمونه کار. نمونه دیگر کار بنده پژوهش‌هایی است که در کلاس‌های درس انجام می‌دهم. کار پژوهشی گسترده‌ای را با مشارکت ۹۰۰ نفر از دانش‌آموزان چهار سال «دبیرستان البرز کرج»، ۱۴۰ دبیر و ۱۲ نفر سرگروه استان‌ها انجام دادم که در آن، کاستی‌های موجود در کار آموزش دانش‌آموزان کتاب‌ها مشخص شده است.

پژوهش دیگر ما در ادامه پژوهش بالاست. در این طرح پژوهشی سعی کردیم دریابیم آیا معلم می‌تواند کاستی‌های مزبور را پوشش دهد و جبران کند. نتیجه کار پژوهش معلوم کرد که معلم با چه ویژگی‌هایی می‌تواند در رفع کاستی‌های موجود موفق باشد. معلوم است که درصد کمی از معلمان آن ویژگی‌ها را دارند.

گذشته از این نوع کارها در آموزش و پرورش، بنده در سطح استان با نهادهای متفاوتی همکاری دارم و موضوع‌های پژوهشی متعددی به بنده ارجاع می‌شود که به این ترتیب اطلاعات زیادی در اختیارم قرار می‌گیرد. بنده نمی‌خواهم خود را ملاکی برای عملکرد همکاران قرار دهم؛ زیرا آنان امکانات مرا ندارند. کتاب‌ها باید رافع نیاز معلم و دانش‌آموز در حد متعارف باشند. ما همین حد متعارف را با کار پژوهشی تعیین کرده‌ایم.

امسال داریم مرحله سوم طرح پژوهشی را اجرا کنیم آن شامل نحوه ایجاد باور به غیب، زمینه‌سازی برای عمل به واجبات، و زمینه‌سازی برای ترک محرمات است. بنده به کمک دانش‌آموزان، روی آرای چند تن از علما و عارفان، از جمله آیت‌الله بهجت در زمینه دین‌داری و تقویت دین‌داری کار کردیم. نتیجه کار ما این بود که آیت‌الله بهجت مطمئن‌ترین حرف را در زمینه دین‌داری چنین بیان کردند: «به واجبات عمل و محرمات را ترک کنید. با این کار به مقصد می‌رسید.»

قطعی نیست که کارهای دیگر، مثل رفتن به دنبال عرفان شما را به مقصد برساند. ممکن است در وسط راه بمانید. اما عمل به واجبات و ترک محرمات، چون وضع مشخصی دارد، حتماً عامل آن را به مقصد می‌رسانند. البته این کار هنوز جمع

بندی نشده است. ان‌شاءالله بعد از جمع‌بندی و تدوین، نسخه‌ای از آن را به وزارت‌خانه می‌فرستیم تا در کتاب‌های درسی استفاده شود.

## ● شما با دبیرخانه راهبردی درس دینی و قرآن آشنایی دارید. با عنایت به تغییرات درباره عملکرد آن چه نظری دارید؟

**اسلامی‌نیا:** سال گذشته برای سرگروه درس، از طرف دبیرخانه فقط شش ساعت کار در هفته مقرر کردند و من نپذیرفتم؛ زیرا در این مدت نمی‌شود کاری کرد. امسال هم برای سرگروه در استان البرز، همان شش ساعت را اختصاص داده‌اند. معلوم است برای انجام امور باید دو تا سه برابر این زمان را در نظر بگیرند تا کاری به سرانجام برسد.

در پایان سال گذشته پیشنهادهایی برای اداره کل درباره دبیرخانه مرکزی فرستادم و نوشتم حال که شش ساعت مقرر کرده‌اید، خوب است کارهای اضافی را که هیچ دردی را دوا نمی‌کنند، از دوش سرگروه بردارید و اجازه بدهید سرگروه کارهای مفید را دنبال کند. متأسفانه نپذیرفتند.

در آغاز سال تحصیلی همکارانم را دعوت کردم و به آنان گفتم: بنده به گزارش دبیرخانه راهبردی کاری ندارم. می‌خواهم در این شش ساعت کاری انجام بدهم که مفید باشد. همان‌طور که کارهای سال پیش و پژوهش‌ها، در دفتر تألیف کتاب‌های درسی مورد استفاده قرار گرفت. نمی‌خواهیم کار ما فقط گزارش باشد.

اکنون باید از همکاران در دبیرخانه راهبردی گلیه‌ای کنم. ما نسخه‌ای از پژوهش را برای دبیرخانه فرستادیم، اما هیچ واکنشی را شاهد نبودیم. حتی زنگ نزدند بپرسند این چه بود برای ما فرستادید. درحالی که مسئولان نواحی از ما می‌خواهند پیرو کار پژوهشی، برای آنان جلسه توجیهی و تشریحی بگذاریم؛ زیرا فکر می‌کنند کاری جالب و مفید بوده است.

بنده نرم‌افزاری را با نام «تهدیدها و فرصت‌ها» تدارک دیدم و یک نسخه از آن را برای دبیرخانه راهبردی فرستادم. نگفتند ما این نرم‌افزار را به دلایلی قبول نداریم.

دبیرخانه از ما می‌خواهد آمار قبولی دانش‌آموزان را هر ساله برایشان بفرستیم. درحالی که می‌توانند آن را از واحد امتحانات بگیرند. هر سال از ما می‌خواهند، فلان درس را نقد کنیم. چه لزومی دارد؟ یک بار نقد کفایت می‌کند. نمی‌دانیم چرا کارهای بی‌فایده از ما می‌خواهند.

## ● از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید متشکریم.